

Journal iranian political sociology

Vol. 4, No.2, summer2021

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.296097.2021>

Iran's legislative criminal policy towards the prohibition of violence against women

Abstract:

Violence against women as one of the most widespread human rights violations has always been the focus of the international community, especially women's rights defenders. This has attracted the attention and sensitivity of various governments, including Iran, and has led to the ratification of numerous international laws, conventions and instruments prohibiting violence against women. With regard to this issue, in the present study, which has been conducted in an analytical and descriptive manner, we want to review and analyze the Iranian laws on the prohibition of violence against women. The question that this study seeks to answer is what is the criminal policy of the Iranian legislature against violence against women? Influenced by numerous treaties, conferences, resolutions, declarations, recommendations and summits held by the United Nations and governments at the national, regional and international levels, it has taken different approaches to different laws. The results of the present study also indicate that the Iranian legislature in its legislative criminal policy against the prohibition of violence against women, the three approaches of the principle of equality, positive discrimination and negative discrimination in law.

Keywords: Violence against women, criminal policy, legislative policy, women's rights, Iran.

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.296097.2021>سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال منع خشونت علیه زنان^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۴

علیرضا خسروی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰

مسعود بسامی^۳مسعود قاسمی^۴

چکیده

خشونت علیه زنان بعنوان یکی از گسترده ترین موارد نقض حقوق بشر، همواره مورد توجه جامعه جهانی خصوصاً مدافعان حقوق زنان بوده است. این امر، توجه و حساسیت دولت های مختلف از جمله ایران را به خود معطوف داشته و موجب تصویب قوانین، مقاله نامه ها و اسناد بین المللی متعددی در راستای منع خشونت علیه زنان شده است. با توجه به این موضوع در پژوهش حاضر که با روش تحلیلی و توصیفی انجام گردیده است می خواهیم به بررسی و تحلیل قوانین ایران در باب منع خشونت علیه زنان بپردازیم. سوالی که این پژوهشی به دنبال پاسخگویی به آن می باشد این است که سیاست جنایی تقنینی ایران در خصوص خشونت علیه زنان چگونه است؟ در واقع در مقام پاسخ به این سوال می توان گفت که سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال منع خشونت علیه زنان در ادوار مختلف با تاثیر پذیری از معاهدات، کنفرانس ها، قطعنامه ها، اعلامیه ها و توصیه نامه ها و اجلاس های متعددی که توسط سازمان ملل و دولت ها در عرصه ملی، منطقه ای و بین المللی برپا شده، در قوانین مختلف رویکردهای متفاوتی داشته است. همچنین نتایج پژوهش حاضر بیانگر این موضوع است که قانون گذار ایران، در سیاست جنایی تقنینی خود در قبال منع خشونت علیه زنان به سه رویکرد: اصل برابری، تبعیض مثبت و تبعیض منفی در قوانین، توجه نموده است.

واژگان کلیدی: خشونت علیه زنان، سیاست جنایی، سیاست تقنینی، حقوق زنان، ایران.

^۱ . مستخرج از رساله دکترا با عنوان « مطالعه تطبیقی سیاست جنایی تقنینی در قبال منع خشونت علیه زنان در حقوق ایران و اسناد بین المللی»، دانشگاه آزاد واحد کرمانشاه

^۲ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران .

Khosraviavayemehr@gmail.com

^۳ گروه حقوق، واحد اسلام آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آباد غرب، ایران (نویسنده مسئول) Mbassami1360@gmail.com

^۴ -استادیار گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران md.ghasemi@yahoo.com

خشونت علیه زنان بعنوان یکی از گسترده ترین موارد نقض حقوق بشر، همواره مورد توجه جامعه جهانی خصوصاً مدافعان حقوق زنان بوده و شمار زیادی از اسناد ملی، منطقه ای و بین المللی را به خود اختصاص داده است که در اشکال مختلفی نمود پیدا می کند؛ به عنوان مثال خشونت های خانگی، تجاوز جنسی، سلطه گری و برده داری، بردگی جنسی، خرید و فروش، وادار کردن به روسپیگری های اجباری، جنسیت گزینی جنین، قطع اندام های جنسی، ایراد ضرب و جرح، بارداری ناخواسته، توهین و تعرض و تجاوزات جنسی نظامند در درگیری های مسلحانه بین المللی و داخلی، تنها نمونه هایی از این خشونت هاست و هم اکنون نیز خشونت بر میلیون ها زن از هر سطح و طبقه اجتماعی، اقتصادی و با هر میزان تحصیلات سایه افکنده است. گزارش بازرسان سازمان ملل متحد مبنی بر افزایش خشونت و تجاوز جنسی سیستماتیک در برخی از کشورها از جمله سوریه، تعیین روز جهانی (۲۵ نوامبر) مبنی بر منع خشونت علیه زنان از سوی سازمان ملل متحد، آمارهای منتشره جهانی، دلالت بر افزایش خشونت علیه زنان دارد. این امر، توجه و حساسیت دولت ها و سازمان های بین المللی را به خود معطوف داشته و موجب تصویب مقاله نامه ها و اسناد بین المللی متعددی در راستای منع خشونت علیه زنان شده است. اگرچه نمی توان از تاثیر اسناد مذکور و تلاش سازمان های غیر دولتی در گسترش مفاهیم حقوق بشری در میان اقوام و ملل متفاوت چشم پوشی نمود، اما همچنان در سراسر دنیا، شاهد نقض حقوق انسانی زنان هستیم. در این خصوص می توان گفت، از یک سو مشکلات اجرایی اسناد بین المللی به ویژه فقدان ضمانت اجرای کارآمد در نظام بین المللی کیفری و از سوی دیگر عدم همکاری موثر دولت ها به دلایل متفاوت، مانع اجرای مفاد این اسناد و در نهایت مانع رفع خشونت بر زنان به نحو موثر شده است.

کشور ایران نیز از موضوع خشونت علیه زنان دور نبوده و آمار های ارایه شده بر صحت این موضوع دلالت دارد. آمارهای رسمی اعلامی، مبنی بر تشکیل ۲۵٪ درصدی پرونده های ناشی از خشونت در شش ماه اول سال ۹۶ در محاکم دادگستری (براساس اعلام مدیرکل پیشگیری های وضعی معاونت اجتماعی قوه قضاییه)، اعلام رسمی نزاع و خشونت به عنوان دومین عامل مرگ افراد در اورژانس ها (براساس اعلام وزارت بهداشت)، اختصاص پرش مهر سال تحصیلی ۹۶-۹۵ به مساله خشونت از سوی ریاست محترم جمهور (براساس بخشنامه های ارسالی به ادارات آموزش و پرورش سراسر کشور)،... همگی بر اهمیت و حساسیت موضوع دلالت دارند. با توجه به این امر در پژوهش حاضر قصد داریم به بررسی و تحلیل قوانین ایران در باب منع و پیشگیری از خشونت علیه زنان بپردازیم. هرچند درخصوص عوامل منجر به خشونت علیه زنان، تحقیقاتی انجام شده، ولی تحقیقی که با عنوان مذکور، صورت نگرفته است

در تعریف خشونت برخی؛ خشونت را عملی خلاف یک هنجار می دانند و گروهی دیگر، آن را رفتاری فردی و جمعی تعریف می کنند که تحت شرایط خاصی بروز می یابد. از نظر بعضی، خشونت هر نوع رفتار خشنی می باشد که از روی قصد و به منظور آسیب به فرد دیگری اعمال می شود (یعقوبی دوست، ۱۳۹۲: ۳۳).

همچنین خشونت علیه زنان صرفاً به ذکر مصادیقی از خشونت مانند تجاوز به عنف، سوءاستفاده جنسی، قطع اندام جنسی، بهره کشی از فحشا و ... اکتفا نموده است.

باومن (۱۹۹۲) در مقاله ای به نام "مزاحمت خیابانی و خلع سلاح غیر مستقیم زنان" نشان داد مزاحمت خیابانی باعث میشود زنان آزادی عمل لازم برای حضور در جامعه را از دست دهند.

پور محمدی (۱۳۹۶) در پایان نامه خود تحت عنوان "بررسی علل اجتماعی واکنش های منفعلانه دختران نسبت به مزاحمت های خیابانی و آقاجانی (۱۳۸۳) در مقاله خود تحت عنوان "تکثر خشونت در ازارهای خیابانی" بدین موضوع پرداخته اند.

لذا پرسش پژوهش حاضر این است که: سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال منع خشونت علیه زنان چگونه است؟ در این مقاله که با روش تحلیلی و توصیفی پرداخته شده است در واقع سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال منع خشونت علیه زنان در ادوار مختلف توسط سازمان ملل و دولت ها در عرصه ملی، منطقه ای و بین المللی برپا شده، در قوانین مختلف رویکردهای متفاوتی داشته است. در این مقاله ابتدا به مفاهیمی مانند خشونت، خشونت علیه زنان و سپس به اقسام سیاست های جنایی و سیاست تقنینی و جنایی در خشونت علیه زنان خواهیم پرداخت.

۱- کلیات

۱-۱- تعریف خشونت

خشونت پدیده ای است که بشر از آغاز جهان پیوسته با آن و به آن مشغول بوده و تن و روان او را همواره فرسوده است (داوودی گرمارودی، ۱۳۹۲: ۹). و در تعریفی دیگر، خشونت؛ هرگونه تهاجم فیزیکی علیه انسان است که با هدف ایراد صدمه و رنج، همراه باشد. البته برخی دیگر اعتقاد دارند که خشونت، طیف وسیعی از رفتارهای بسیار تند و آسیب زا تا عکس العمل های منفی همچون بی توجهی و بی تفاوتی را نیز در بر می گیرد. همچنین در تعریف سازمان بهداشت جهانی خشونت عبارت است از: استفاده عمدی از نیروی فیزیکی یا قدرت، با تهدید یا تمایل به تهدید، علیه خود یا دیگری، علیه گروه یا جامعه که موجب بروز آسیب، مرگ، آسیب های روانی، ضعف رشد و یا انواع محرومیت ها گردد. (کرمانچی، ۱۳۸۶: ۳۳)

نظرسنجی های عمومی نیز نشان داده که تعریف مردم از خشونت، بسیار متنوع است. این تنوع در ارائه تعاریف بعضاً گوناگون از واژه خشونت، مؤید نسبی بودن این مفهوم است و دلالت بر این مسأله دارد که خشونت در زمان و مکان

مختلف تغییر می یابد و نقطه عطف و یا وجه اشتراکی که شاید بتوان برای آن قائل شد، همان سوء رفتار و یا تعرض ناروا و ضد اجتماعی است که شامل هرگونه فعل یا ترک فعلی می گردد که اسباب ورود ضرر و رنج و ناراحتی دیگری را فراهم می آورد. (سبحانی، ۱۳۸۶: ۳۲)

۲-۱- خشونت علیه زنان

در سال ۱۹۹۳ «هرگونه رفتار خشن وابسته به جنسیت که موجب آسیب یا با احتمال آسیب جسمی یا روانی مضر و با رنج زنان همراه گردد» بعنوان تعریف خشونت علیه زنان از سوی سازمان ملل اعلام گردید. (رنجبران و دبیرزاده، ۱۳۹۰: ۲۰)

همچنین در مقدمه اعلامیه رفع خشونت علیه زنان، «هرگونه عمل خشونت آمیز براساس جنسیت که باعث بروز لطمات و آسیب های جسمی و یا روانی یا رنج و آزار زنان و نیز تهدید به انجام این اعمال که (در شرایط خاص) منجر به محدودیت اجباری یا اختیاری از آزادی در اجتماع یا در زندگی خصوصی می گردد» به عنوان تعریف خشونت علیه زنان مطرح شده است. (همان: ۲۸)

در ماده ۲ لایحه صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت، « هر رفتار عمدی که به جهت جنسیت یا موقعیت آسیب پذیر یا نوع رابطه مرتکب، بر زن واقع شود و موجب ورود آسیب یا ضرر به جسم یا روان یا شخصیت، حیثیت و یا حقوق و آزادی های قانونی زن گردد» تحت عنوان تعریف خشونت علیه زنان مطرح شده است که در قالب یکی از عناوین جرایم علیه تمامیت جسمانی، جرایم علیه حیثیت معنوی و روانی، جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی، جرایم علیه حقوق و تکالیف خانواده و جرایم علیه آزادی های مشروع بانوان مطابق مقررات این قانون رسیدگی می شود.

۳-۱- انواع خشونت

در بررسی تعاریف مختلف ارائه شده از سوی کارشناسان و دست اندرکاران موضوع، می توان انواع متفاوتی از خشونت را استنباط نمود. در واقع خشونت، به تناسب این که در چه حوزه ای و نسبت به چه افرادی و در چه زمانی و توسط چه کسانی رخ می دهد، قلمرو آن تعیین می گردد و به انواع مختلفی تقسیم بندی می شود.

خشونت را می توان از نظر شکل بروز به انواع آشکار، پنهان و نمادین، از نظر سطح آگاهی فاعل هنگام اقدام به خشونت؛ به انواع آگاهانه، ناآگاهانه و ناخواسته، از نظر کیفیت آسیب؛ به خشونت روانی (روحی)، خشونت فیزیکی و خشونت جنسی تقسیم بندی نمود. همچنین از نظر این که خشونت علیه چه کسی اعمال می شود؛ به انواع متفاوت خشونت علیه زنان، کودکان، سالمندان، معلولان و اقلیت ها (با لحاظ نژاد، رنگ، قومیت، زبان و غیره) تقسیم بندی شده است. خشونت همچنین، از نظر محل بروز آن به خشونت در خانه، خشونت در محل کار و خشونت در جامعه طبقه بندی شده است. (عبدالحسنی و فرید، ۱۳۹۶: ۱۹)

سازمان بهداشت جهانی، خشونت را براساس رابطه میان مرتکب و قربانی، به سه نوع، خشونت علیه خود، خشونت میان فردی و خشونت جمعی طبقه بندی کرده است.

همچنین از نظر پارلمان اتحادیه اروپا، خشونت علیه زنان، به خشونت خانگی، خشونت جنسی از جمله تجاوز جنسی، قاچاق انسان، خشونت فیزیکی از جمله سقط اجباری و عقیم سازی اجباری، خشونت بدنی، قطع آلت تناسلی زنانه (ختنه)، ازدواج اجباری، و هتک حرمت طبقه بندی شده است. (Delmas-Marty, M, (2013): 534).

در پیش نویس لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت که هنوز روند تصویب نهایی آن در کشورمان طی نشده، در ماده سوم آن به شرح ذیل خشونت طبقه بندی شده است:

الف- خشونت جسمی. ب- خشونت روانی و عاطفی. ج- خشونت جنسی. د- خشونت اقتصادی. ه- بهره کشی جنسی. و- تجاوز جنسی. ز- تعرض جنسی. ح- آزار جنسی. ط- مزاحمت جنسیتی. ی- آداب و رسوم ناپسند. ک- جرایم ناموسی. ل- خود آزاری.

۴-۱- تعریف سیاست جنایی

به نظر برخی از نویسندگان سیاست جنایی شامل مجموعه شیوه های سرکوبگری می شود که دولت از طریق آن ها و با توسل به آن ها علیه جرم واکنش نشان می دهد. (دلما، ۲۰۰۸: ۵). در این دیدگاه، سیاست جنایی مترادف با سیاست کیفری بوده و با لحاظ نمودن تدابیر قهرآمیز دولتی در قبال جرم، به اقدامات پیشگیرانه در درمان و اصلاح مجرمین توجهی ندارد. در تعریفی دیگر سیاست جنایی، سیاست و برنامه خاص در زمینه کنترل بزهکاری، از طریق سرکوبی محض و یا همراه با اقدام ها و تدابیر خاص پیشگیرانه از بزهکاری است (کوشا، دهقانی و سانچ، ۱۳۹۶: ۸۹-۹۰).

۵-۱- اقسام سیاست های جنایی:

۱-۵-۱- سیاست جنایی تقنینی

سیاست جنایی تقنینی به منزله نخستین لایه سیاست جنایی، عبارت است از تدبیر و چاره اندیشی قانونگذار در مورد جرم و پاسخ به آن که با توجه به وابستگی سیاست جنایی به نظام سیاسی و ایدئولوژیک هر کشور حالت های مختلفی به خود می گیرد و می توان آن را سلیقه قانونگذار و انتخاب های وی در انواع جرایم و مجازات ها و به طور کلی نحوه مقابله با پدیده مجرمانه و دادرسی جرایم دانست که تبلور آن در قوانین مختلف هر جامعه از جمله قوانین کیفری شکلی و ماهوی منعکس می شود. (عظیمی زاده، ۱۳۹۴: ۱۲) به عبارت دیگر، سیاست جنایی تقنینی مجموعه ای از تدابیر مبارزه با بزهکاری را در بر می گیرد که در قانون متجلی شده است و ضمانت اجرای قانونی دارد. این نوع از سیاست جنایی، ضمن آن که صلاحیت قانونی دارد، معیار و مبانی انواع دیگر آن بوده و بیانگر اصول کلی حاکم بر

نظام کیفری یک جامعه می باشد. سیاست جنایی تقنینی، گاه بر عمل منحرفانه یا مجرمانه تکیه دارد و گاهی نیز بر شخصیت مباشر و مرتکب آن عمل مجرمانه یا منحرفانه، تأکید می کند. (عظیمی زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۰)

۲-۵-۱- سیاست جنایی قضایی

مراد از این قسم از سیاست جنایی، رویه و سیاستی است که در آراء و تصمیمات قضات دادگستری برون داد عینی می یابد. به عبارت دیگر، سیاست جنایی قضایی، سیاستی است که قوه قضائیه و به ویژه قضات دادگستری برای اجرای قانون و در جریان آن اعمال می کنند. در واقع سیاست جنایی قضایی، انعکاس سیاست جنایی تقنینی در جریان رسیدگی قضایی است و نیز تفسیری است که قضات دادگاه ها در حین اجرای قانون از آن به عمل می آورند؛ البته ممکن است لزوماً انطباق کامل با سیاست جنایی تقنینی نداشته باشد، به این دلیل که پیام های قانونگذار در زمینه سیاست جنایی به صورت های متفاوت درک و پذیرفته می شود. (مندنی، ۱۳۹۳: ۷۴) به عبارت دیگر، سیاست جنایی قضایی یعنی سیاست جنایی تقنینی، آن طور که مورد برداشت، تفسیر و عمل قضات قرار می گیرد (عظیمی زاده و حسابی، همان ۱۲۱)

۳-۵-۱- سیاست جنایی اجرایی

قوای اجرایی هر مملکت یکی دیگر از مراجع اعمال سیاست جنایی است. نحوه برخورد قوه مجریه با مسئله انحراف و جرم و در واقع نحوه نظارت و اجرای قوانین قوه مقننه خود جایگاه مهمی در سیاست جنایی دارد که از آن به سیاست جنایی اجرایی یاد می شود. سیاست جنایی اجرایی، اعمال راهکارهای اساسی و مؤثر پیرامون کاهش بزهکاری در جامعه به وسیله تصویب نامه و آئین نامه هایی که هر یک از بدنه قوه مجریه بدان عمل می نمایند می باشد. (کوشا و دهقانی سانج، همان، ۹۰-۸۹)

۴-۵-۱- سیاست جنایی مشارکتی (مردمی)

با توجه به گسترش و رشد انواع بزهکاری و عدم کارایی ابزارهای نظام کیفری، مشارکت و همکاری تمامی افراد جامعه برای پیشگیری و مقابله با پدیده مجرمانه لازم است. سیاست جنایی مشارکتی یعنی سیاست جنایی توأم با شرکت وسیع جامعه، غیر از پلیس یا قوه قضائیه به منظور اعتبار بخشیدن بیشتر به یک طرح سیاست جنایی که به وسیله قوه مجریه و مقننه تهیه و تدوین می شود. سیاست جنایی مشارکتی، کم هزینه ترین راه مقابله با پدیده مجرمانه است. در واقع شرکت دادن مردم در سیاست جنایی به این معناست که، پیشگیری و سرکوب از جمله اموری هستند که به همه افراد جامعه مربوط می شوند و اگر امر سرکوبی جرم را مرتبط با همه افراد جامعه بدانیم، خواهیم پذیرفت که تجربه های پیشگیری و سرکوبی نه تنها در تضاد با یکدیگر نیستند بلکه مکمل یکدیگرند. (همان: ۹۰) و نهادهای سرکوب گر مثل پلیس با شرکت مردم در سیاست جنایی، دیگر انحصار سرکوبی و مجازات کردن را در اختیار ندارند و به علاوه این نهادها امروزه پیش گیرنده از بزهکاری نیز می باشند. (دانش، ۱۳۶۸: ۳۵)

۲- سیاست جنایی تقنینی قانون گذاران کیفری در قبال منع خشونت علیه زنان

قانون گذاران کیفری در رویارویی با خشونت علیه زنان، در سیاست جنایی تقنینی خود از سه رویکرد متفاوت: ۱. اصل برابری (برابری زنان با مردان از حمایت های یکسان در حقوق کیفری)، ۲. تبعیض مثبت (فراهم کردن حمایت ها و تضمینات قانونی ویژه و متفاوت با مردان برای زنان در حقوق کیفری ماهوی و شکلی) و ۳. تبعیض منفی (فقدان حمایت کیفری و قانونی یکسان زنان با مردان) سود جسته اند:

نگاهی هرچند گذرا به اسناد مهم بین المللی حقوق بشری عام و خاص نشان می دهد که رویکرد نخست بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است (مواد ۲ و ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۳ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده ۲۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی) و هرگونه اعمال تبعیض بر اساس جنسیت نفی شده است ولی این موضوع، بدین معنا نیست که رویکرد دوم (هرچند این سیاست در این اسناد بسیار کم رنگ است) جایگاهی در اسناد حقوق بشری بین المللی نداشته باشد.

با توجه به این مقدمه در این قسمت ما به بررسی قوانین ایران در باب خشونت علیه زنان می پردازیم و موضوع را از دو جهت قوانین کیفری و قوانین غیرکیفری مورد بررسی قرار می دهیم.

۲-۱- سیاست جنایی در قوانین کیفری

سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال منع خشونت علیه زنان به هر سه رویکرد ذکر شده توجه کرده و این مسئله در حقوق کیفری ماهوی نمود بیشتری داشته است. در برخی از موارد، قانون گذار کیفری ایران با جرم انگاری برخی از رفتارهای خاص که زنان بیشتر از رهگذر آنها بزه دیده می شوند (مانند مواد ۶۱۹^۵ و ۶۲۲^۶ قانون مجازات اسلامی)، به حمایت کیفری ویژه از زنان اقدام کرده و گاه با حمایت کیفری کمتر از زنان در برابر مهم ترین جرم های علیه تمامیت جسمی مانند: قتل، قطع عضو و ضرب و جرح (در مواد ۲۰۹^۷ و ۲۱۰^۸ و ۲۷۳^۹ و ۳۰۱^{۱۰} قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵)، رویکرد تبعیض منفی و سپس در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، رویکرد تبعیض مثبت را اتخاذ کرده است. در موارد بسیاری نیز قانون گذار همانند اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی

^۵ هر کس در امکان عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شوون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

^۶ هر کس عالماً عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.

^۷ هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل نصف دیه مرد را به او بپردازد.

^۸ هرگاه کافر ذمی عمداً کافر ذمی دیگر را بکشد قصاص می شود اگرچه پیرو دو دین مختلف باشند و اگر مقتول زن ذمی باشد باید ولی او قبل از قصاص نصف دیه مرد ذمی را به قاتل بپردازد.

^۹ در قصاص عضو، زن و مرد برابرنند و مرد مجرم به سبب نقص عضو یا جرحی که به زن وارد نماید به قصاص عضو مانند آن محکوم می شود، مگر اینکه دیه عضوی که ناقص شده ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشد که در آن صورت زن هنگامی می تواند قصاص کند که نصف دیه آن عضو را به مرد بپردازد.

^{۱۰} دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی خواه غیرعمدی نصف دیه مرد مسلمان است.

ایران، منشور حقوق شهروندی، قوانین مربوط به کار... به حمایت قانونی برابر از زن و مرد با رعایت موازین اسلامی تصریح کرده و اصل برابری را رعایت کرده است. در این زمینه برخی از مهمترین قوانین عبارتند از:

۱-۱-۲ قانون تشدید مجازات اسید پاشی

قبل از انقلاب، نخستین قانون مربوط به اسیدپاشی در کشورمان در سال ۱۳۳۷ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. در این قانون آمده بود: هر کس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر موجب قتل کسی شود به مجازات اعدام و اگر موجب مرض دائمی یا فقدان یکی از حواس مجنی علیه شود به حبس ابد با اعمال شاقه و اگر موجب قطع یا نقصان یا از کارافتادن عضوی از اعضاء بشود به حبس مجرد از دو تا ۱۰ سال و اگر موجب صدمه دیگری بشود به حبس مجرد از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد.^{۱۱} در این قانون، مجازات شروع به این جرم حبس مجرد از دو سال تا پنج سال بود. البته قانون مذکور در طول سالیان اخیر تا قبل از قانون تشدید مجازات اسید پاشی و حمایت از بزه دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸/۷/۲۱، همواره دچار تغییراتی شد اما تغییرات به وجود آمده آنچنان که باید و شاید در تشدید مجازات اسیدپاشی و بازدارندگی از ارتکاب به اسیدپاشی، تفاوت محسوسی ایجاد نکرد (عزتی لطف و طالبی، ۱۳۹۸: ۳۹۸). در این دوره پاسخ های سیاست جنایی ایران به اسید پاشی نوعاً پاسخ های کیفری بوده که از سوی دولت اعمال می شد و تدابیر حمایتی^{۱۲} و یا ساز و کار غیر کیفری مدنظر قانونگذار نبوده است

بعد از انقلاب با تصویب قانون جدید^{۱۳} قانونگذار در سیاست جنایی تقنینی خود دو هدف اساسی را دنبال کرد: نخست، تشدید مجازات اسیدپاشی از طریق پیش بینی مجازات قصاص نفس، عضو یا منفعت^{۱۴}، حبس های تعزیری درجه یک تا چهار به میزان دیه اعضای بدن از جهت جنبه عمومی جرم، مجازات اعدام با شرایط ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی^{۱۵}، ممنوعیت اعمال کلیه نهادهای ارفاقی از جمله تخفیف، تعلیق، آزادی مشروط و تشدید مجازات معاونت در ارتکاب جرم اسیدپاشی به عنوان سازوکارهای کیفری و در جهت تشدید کیفر و دوم اینکه، نکته دیگری که در قانون سال ۱۳۳۷ مغفول مانده بود و در طرح مذکور به عنوان راهکاری غیرکیفری به آن توجه شده است، بحث حمایت از بزه دیدگان این جرم است که به یقین در جرم مذکور به عنوان راهکاری غیرکیفری به آن توجه شده است، بحث علاوه بر خسارت مادی و نیز سایر راهکارهای حمایتی، از جمله پرداخت هزینه های درمان از محل صندوق تامین خسارت های بدنی^{۱۶} یا خدمات روان شناختی، مددکاری و توانبخشی و رسیدگی خارج از نوبت به دعاوی اسیدپاشی

^{۱۱} قانون مربوط به پاشیدن اسید، مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۱۶ مجلس سنا، منتشره در روزنامه رسمی ۴۱۴۵-۱۳۳۸/۱۲/۱۶.

^{۱۲} شامل تسهیل دسترسی و مشارکت بزه دیدگان در دادگاهها و دادرسی ها، دسترسی به اطلاعات و نمایندگان حقوقی، پرداخت غرامت و جبران خسارت، مساعدت در زمینه زبان و ترجمه، مراقبت های پزشکی - روانشناختی، برنامه های پناهگاهی...

^{۱۳} قانون تشدید مجازات اسید پاشی و حمایت از بزه دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸/۷/۲۱.

^{۱۴} ماده ۱ قانون تشدید مجازات اسید پاشی و حمایت از بزه دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸/۷/۲۱.

^{۱۵} بغی و افساد فی الارض.

^{۱۶} در قانون جدید اگر دسترسی به مرتکب جرم نباشد و یا مجرم استطاعت مالی نداشته باشد، دولت مکلف است که قربانیان اسیدپاشی را حمایت

کند؛

در این قانون پیش بینی شده است. این موارد نکات برجسته این قانون است که در اصل وجه تمایز این قانون با قانون قبلی همین نگاه حمایتی دولت از منظر مادی و روانی از بزه دیده است نه تشدید مجازات.

۲-۱-۲ قانون مبارزه با قاچاق انسان

سیاست جنایی تقنینی ایران برای مقابله با جرم قاچاق انسان که گاه آن را بردگی سفید می نامند. (صادقی، ۱۳۹۵: ۵۷۱) در دوران قبل از انقلاب اسلامی محدود به پذیرش و امضاء برخی معاهدات بین المللی و تدوین قوانینی پراکنده بوده است. بعد از انقلاب اسلامی مهم ترین تحول، تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان در سال ۱۳۸۳ است که عمده‌تاً نشأت گرفته از مصوبات بین المللی و فشار رسانه ها و افکار عمومی داخلی است. (ذاقلی، ۱۳۸۸: ۸۸)

به طور کلی می توان گفت در سیاست کیفری ایران برای مقابله با قاچاق انسان، تعقیب مرتکبین جرم، تنها راهبردی است که فارغ از راهبردهای مؤثر دیگر همچون حمایت از قربانیان جرم، پیگیری شده و بدیهی است که توجه و تعمق بیشتر در آموزه های اسلامی و انسانی، بازنگری و اصلاح رویکرد موجود را موجه می سازد زیرا در بسیاری از موارد امکان جمع بین آموزه های شرعی و حقوق بشر منتفی نیست اما این مهم نیازمند کنکاش و تعمق بیشتر و پرهیز از سطحی نگری است. (جعفری بجنوردی، ۱۳۹۲: ۷۵)

۲-۲- سیاست جنایی در قوانین غیر کیفری

۲-۲-۱ قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان عالی ترین سند حقوقی کشور، اساس تهیه، تنظیم و نگارش قوانین دیگر است و اصول سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، روابط خارجی، ساختار و حدود قدرت سیاسی را تعیین کرده و ضامن حقوق شهروندی افراد است. قانون گذار ایران در مقررات تقنینی خود در مورد زنان در قانون اساسی موكداً به حقوق اساسی زنان با رویکردی حمایتی توجه ویژه کرده و با تأکید بر اصل تساوی و برابری افراد در برابر قانون و در پی آن با حمایت کیفری^{۱۷} از آنان، از اعطای امتیازات واهی و غیر قانونی به طبقه یا قشر خاصی از مردم ممانعت نموده است. همچنین علاوه بر رویکردهای صدرالاشاره، در برخی موارد نیز از رویکرد دیگری تحت عنوان رویکرد منفی استفاده کرده است^{۱۸}.

در فصل سوم قانون اساسی که به موضوع حقوق ملت اختصاص دارد، اولین اصل یعنی اصل نوزدهم قانون اساسی چنین بیان می کند: «مردم ایران از هر قوم و قبیله ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مانند این ها سبب امتیاز نخواهد بود.»

^{۱۷}. ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی

^{۱۸}. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای مشارکت سیاسی زنان مانع قانونی وجود نداشته و لکن در تصدی مناصب مدیریتی، در موارد خاصی نظیر احراز مقام رهبری، ریاست جمهوری، قضاوت به دلایل عدیده ای، شاهد محدودیت ها و محدودرات قانونی هستیم

بنابراین با توجه به این اصل نژاد پرستی و برتری جویی قومی و قبیله ای در هر شکل و شیوه اش مردود و باطل است و هیچ کس نباید به بهانه اینگونه اختلافات ادعای برتری بر دیگران را در مواجهه با قانون ابراز نماید. همچنین در بند نهم از اصل سوم قانون اساسی بیان شده است: «دولت جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به اهداف اصل دوم مکلف به رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی می باشد.» اصل برابری و تساوی برابر قانون در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آنچنان از اهمیت بالایی برخوردار است که حتی بالاترین شخصیت نظام یعنی مقام رهبری را از این اصل مستثنی نکرده و در ذیل اصل صد و هفتم قانون اساسی چنین آورده است: «رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.»

برای تکمیل این مبحث بیان این نکته ضروری است که بر اساس قانون اساسی رعایت حقوق افراد، فقط مختص مسلمانان نیست بلکه باید در جمهوری اسلامی ایران حقوق تمامی انسان ها اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان کاملاً براساس موازین شرعی و قانونی رعایت گردد چنانچه در اصل چهاردهم قانون اساسی بیان شده است دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نماید و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. لذا با این اوصاف می توان بیان کرد نگارندگان قانون اساسی سعی در آن داشته اند تا در جای جای این قانون بر اصل تساوی و برابری همگان در برابر قانون تاکید نمایند و با تصریح بر این اصل از اعطای امتیازات واهی و غیرقانونی و غیرشرعی به طبقه یا قشر خاصی از مردم پرهیز نمایند.

۲-۲-۲ قانون کار

قانون گذار ایران در مقررات تقنینی خود در قانون کار، اصل برابری و تبعیض مثبت را به رسمیت شناخته و با رویکردی حمایتی و به شکل ویژه به جرم انگاری و در پی آن کیفر گذاری در قلمرو حقوق کار کودکان و زنان مبادرت ورزیده است. متمم قانون اساسی مشروطه (۱۲۸۵) برای نخستین بار بر پایه اصل^{۱۹} (۸) و پس از آن، قانون اساسی مصوب (۱۳۵۸) به این حق در اصول^{۲۰} (۱۹) و^{۲۱} (۲۰) اشاره کرده است. قانون کار مصوب ۱۳۶۹ نیز در همین راستا اصل برابری را در گستره های مختلف، از جمله در زمینه تعیین میزان مزد زنان کارگران در ماده^{۲۲} (۳۸)، مورد حمایت کیفری قرار داده و تفاوت گذاری در تعیین میزان مزد کارگران به دلیل ویژگی های نژادی، سنی، جنسیتی، ...

۱۹. اهالی مملکت ایران در مقابل قانون متساوی الحقوق هستند.

۲۰. مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این ها سبب امتیاز نخواهد بود.

۲۱ - همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

۲۲. برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام می گیرد باید به زن و مرد مزد مساوی پرداخت شود. تبعیض در تعیین میزان مزد براساس سن، جنس، نژاد و قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع است.

از سوی قانون گذار ایران جرم انگاری شده است. همچنین قانونگذار ایران در مواد^{۲۳}(۷۵)،^{۲۴}(۷۷) و^{۲۵}(۱۷۶) واگذاری کارهای خطرناک، سخت و زیان آور اعم از زیان های جسمی و روانی و مواد^{۲۶}(۷۸)،^{۲۷}(۱۷۳) و^{۲۸}(۱۷۵) را به زنان ممنوع نموده است. افزون بر شناسایی حقوق مادران شیرده، با رویکردی حمایتی (تبعیض مثبت) و به شکل ویژه به جرم انگاری و در پی آن کیفر گذاری در قلمرو حقوق کار کودکان و زنان مبادرت ورزیده تا کار این دسته از شهروندان اسباب وارد شدن آسیب های جسمی - روانی به آنان را فراهم نکند. (ابرند آبادی، ۱۳۹۲: ۲۵۶)

۳-۲-۲ قانون تامین اجتماعی

تامین اجتماعی از مهم ترین ساز و کارهای تحقق عدالت اجتماعی محسوب می شود، نظام حقوقی ایران به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و گسترش شعارهای عدالت و برابری، و رفع هرگونه تبعیض و نابرابری، دست کم در سیاست ها و برنامه ها به دنبال تحقق عدالت اجتماعی از طریق ساز و کار تأمین اجتماعی در اصول متعدد قانون اساسی و قوانین عادی بوده و هست. با نگاهی به حکومت صدر اسلام (دولت پیامبر (ص) و امیرالمومنین (ع)) مبرهن می شود که این حکومت ها مبتنی بر برقراری اصل برابری و عدم تبعیض در رفاه بین مسلمین بوده است. دولت جمهوری اسلامی ایران، نیز که قانون اساسی آن با تأسی از قوانین و اصول اسلامی تنظیم گردیده، تلاش نموده تا در سیاست جنایی تقنینی خود قواعد حاکم بر تامین اجتماعی را نیز بر مبنای اصولی همچون اصل برابری و پرهیز از هرگونه تبعیض وضع نماید و قانونگذار دولت جمهوری اسلامی را ملزم به دخالت در اجرا و نظارت بر آن نموده است. بنابراین قوانین تامین اجتماعی در ایران هر چند آن گونه که در اهداف اولیه آن وضع گردیده، به جهت کمبود

^{۲۳} انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگران زن ممنوع است.

^{۲۴} در مواردی که به تشخیص پزشک سازمان تأمین اجتماعی، نوع کار برای کارگر باردار خطرناک یا سخت تشخیص داده شود، کارفرما تا پایان دوره بارداری وی، [باید] بدون کسر حق السعی، کار مناسب تر و سبک تری به او ارجاع [نماید].

^{۲۵} متخلفان از هر یک از موارد مذکور در مواد ۵۲ - ۶۱ - ۷۵ - ۷۷ - ۷۹ - ۸۳ - ۸۴ و ۹۱ برای هر مورد تخلف حسب مورد علاوه بر رفع تخلف یا تادیه حقوق کارگر یا هر دو در مهلتی که دادگاه با کسب نظر نماینده وزارت کار و امور اجتماعی تعیین خواهد کرد، به ازای هر کارگر به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد:

۱ - برای تا ۱۰ نفر، ۲۰۰ تا ۵۰۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر

۲ - برای تا ۱۰۰ نفر نسبت به مازاد ۱۰ نفر، ۲۰ تا ۵۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر

۳ - برای تا بالاتر از ۱۰۰ نفر نسبت به مازاد ۱۰۰ نفر، ۱۰ تا ۲۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر.

در صورت تکرار تخلف، متخلفان مذکور به حبس از ۹۱ روز تا ۱۸۰ روز محکوم خواهند شد.

^{۲۶} در کارگاه هایی که دارای کارگر زن هستند کارفرما مکلف است به مادران شیرده تا پایان دو سالگی کودک پس از هر سه ساعت، نیم ساعت فرصت شیر دادن بدهد. این فرصت جزء ساعات کار آنان محسوب می شود و هم چنین، کارفرما مکلف است متناسب با تعداد کودکان و با در نظر گرفتن گروه سنی آن ها مراکز مربوط به نگه داری کودکان (از قبیل شیرخوارگاه، مهد کودک و ...) را ایجاد نماید.

^{۲۷} بر پایه ماده ۱۷۳ قانون کار کارفرمایان در صورت تخلف با پاسخ های ترمیمی (رفع تخلف و ایجاد شرایط مناسب برای تأسیس مراکزهای یاد شده) و کیفری (کیفر مالی) رو به رو می شوند.

^{۲۸} بر پایه ماده ۱۷۵ این قانون، نقض حقوق یاد شده برای بار نخست کیفر مالی و در صورت تکرار، افزایش کیفر مالی و کیفر زندان (از ۹۱ روز تا ۱۲۰ روز) را در پی دارد.

منابع و افزایش جمعیت تحت پوشش، نتوانسته منطبق با اصول حکومت اسلامی حرکت نماید، اما تلاش های صورت گرفته بیانگر اراده حکومت اسلامی در طی مسیر برقراری عدالت و مساوات در این حوزه می باشد.

۴-۲-۲ قانون حمایت از زنان و کودکان

علی رغم پیشرو بودن جامعه ایرانی در حفظ کرامت زن نسبت به جوامع دیگر و غنای آموزه های دینی در حفظ امنیت روانی، جسمی و جنسی زن و اصول مترقی قانون اساسی، برخی از اهداف مدنظر تاکنون محقق نشده است. هرچند در قوانین مختلف و به صورت پراکنده مقرراتی در این زمینه وجود دارد لکن تجمیع و انسجام آن ها در کنار جرم انگاری اشکال جدید مزاحمت و تعدی به حقوق بانوان در محیط های مختلف، ایجاب می کند که تدابیر پیشگیرانه و حمایتی از یک سو و مقررات کیفری خاص از سوی دیگر تقویت و توسعه یابد.

در سال های قبل و بعد از انقلاب، قانون گذار ایران اقدام به شناسایی حقوق فردی و عمومی بنیادین زنان و حمایت کیفری از این حقوق در محیط های مختلف نموده و در شماری از مقررات تقنینی و فرو تقنینی به شکل ویژه به جرم انگاری و در پی آن کیفر گذاری با هدف حمایت و جلوگیری از ورود آسیب های جسمی- روانی به آنان مبادرت ورزیده است. از مهم ترین مقرراتی که تاکنون در این مورد به تصویب رسیده، می توان به متمم قانون اساسی مشروطه مصوب ۱۲۸۵، قانون مدنی مصوب ۱۳۰۴ و اصلاحیه های بعدی، قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و بخشنامه های مرتبط با آن، قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ و مقررات مرتبط، قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، قانون کار مصوب ۱۳۶۹، قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳، سیاست اشتغال زنان مصوب ۲۰ مرداد ۱۳۷۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، قانون اصلاح نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب فروردین ۱۳۸۰، قانون اصلاحیه مقررات طلاق مصوب ۱۳۸۳، قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳، سند تحول آموزش و پرورش و سیاست های ارتقاء مشارکت زنان در آموزش عالی مصوب ۱۳۸۴، منشور حقوق و مسئولیت های زن در کشورهای اسلامی مصوب ۱۳۸۵، قانون برنامه های پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹ به ویژه برنامه پنج ساله سوم، قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، صندوق تأمین خسارت های بدنی موضوع ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵، قانون برنامه ششم توسعه کشوری مصوب ۱۳۹۵، قانون استخدام کشوری با اصلاحات بعدی، منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵، سند ۱۴۰۴، سند اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست های تحکیم و تعالی آن، نقشه جامع علمی کشور، لایحه صیانت، کرامت و امنیت بانوان در برابر خشونت، بخشنامه ها متعدد قوه قضائیه و غیره با موضوعیت های: بهبود شرایط کار، حمایت از رفاه اجتماعی و اقتصادی زنان، بهره مندی از تأمین اجتماعی اعم از بیمه بازنشستگی، بی کاری و از کار افتادگی، حمایت های بهداشتی، درمانی، مراقبت های پزشکی، تعیین حداقل دستمزد، ممنوعیت برداشت های غیر قانونی، توقیف و انتقال مزد زنان، اجباری نمودن بیمه کارگران توسط کارفرمایان، ممنوعیت هرگونه تفاوت گذاری و نابرابر سازی حقوق و تکالیف زنان به دلیل ویژگی های نژادی،

سنی، جنسیتی، اعتقادی - مذهبی، ممنوعیت واگذاری کارهای خطرناک، سخت و زیان آور (اعم از زیان های جسمی - روانی) به زنان، برابری حقوق زنان با مردان، حمایت و به رسمیت شناختن حقوق مادران شیرده به ویژه در دوره ننگه داری کودکان (حضانت)، محافظت از زنان در برابر فشارهای مالی و اقتصادی جامعه و زندگی، کاهش تبعیض میان زن و مرد و حمایت از زنان در برابر آسیب های اجتماع صورت گرفته (ابرنه ابادی، همان: ۲۹۵)، پذیرش تعدد زوجات، استفاده از حقی به نام حق عائله مندی، حفظ کرامت و امنیت روح و جسم بانوان و همچنین مداخلات پیشگیرانه و کیفری در برابر خشونت علیه زنان در محیط های مختلف، ایجاد محدودیت و سخت تر شدن و در نهایت کاهش آمار طلاق، جرم انگاری آسیب های جسمی ناشی از رابطه جنسی (افضاء)، گسترده شدن دایره تعریف تجاوز جنسی، در نظر گرفتن خسارت های مادی تحت عنوان «مهرالمثل» و «ارش البکاره» برای زنی است که مورد تجاوز قرار گرفته^{۲۹} (آقایی، ۱۳۹۷: ۹۵)، محاسبه کامل دپه زنان، بهره مندی زنان از تمامی مزایای قانونی در ماده ۷ منشور حقوق شهروندی، ایجاد شروط طلاق برای مردان، از جمله اضافه نمودن اکراه و همچنین محاسبه اجرت المثل کار زن در خانه در سال های زندگی مشترک در مواردی که مرد به ناحق مصمم به طلاق است، منوط نمودن ثبت واقعه طلاق به تأدیه کامل حقوق زن مگر با رضایت وی، پذیرش نظامی دوگانه برای مسئولیت کیفری دختران، تفاوت گذاری در مجازات های تعزیری برای افراد زیر ۱۸ سال و بالای ۱۸ سال، استفاده از مجازات های جایگزین زندان برای زنان و توجه بیشتر به آنان در عفو و تخفیف در مجازات، حفظ نظام خانواده، ارتقاء نظام خانواده، بازنگری قوانینی که موجب آسیب اجتماعی و فروپاشی بنیان خانواده گردیده، بازنگری در قانون اختیار مطلق شوهر در امر طلاق، بازنگری در نگاه مرد سالارانه و سستی افراد و حتی برخی حقوق دانان مرد به زنان، بازنگری در نگاه جامعه و حاکمیت به خشونت علیه زنان به عنوان یکی از آسیب های اجتماعی دارای اولویت... اشاره نمود.

بحث و نتیجه گیری

خشونت علیه زنان بعنوان یکی از گسترده ترین موارد نقض حقوق بشر، همواره مورد توجه جامعه جهانی خصوصاً مدافعان حقوق زنان بوده و شمار زیادی از اسناد ملی، منطقه ای و بین المللی را به خود اختصاص داده است. اگرچه در ظاهر به نظر می رسد توجه به ابعاد حقوقی منع خشونت علیه زنان از رهاوردهای غرب در یکی دو قرن اخیر است اما اندکی مطالعه در این زمینه سابقه ای بسیار طولانی را در تاریخ حقوق جزایی اسلام و قوانین مشرق زمین نشان می دهد. در این مورد می توان گفت، تاریخچه قوانین مربوط به رعایت حقوق زنان و منع خشونت علیه آنان در کشورهای غربی به حدود دویست سال قبل برمی گردد در حالی که احکام اسلام در باب حقوق زنان و منع خشونت علیه آنان مربوط به چهارده قرن پیش است. با این وجود، سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال منع خشونت علیه زنان در ادوار مختلف با تاثیر پذیری از معاهدات، کنفرانس ها، قطعنامه ها، اعلامیه ها و توصیه نامه ها و اجلاس های متعددی که توسط سازمان ملل و دولت ها در عرصه ملی، منطقه ای و بین المللی برپا شده، در قوانین مختلف رویکردهای متفاوتی داشته است. در برخی از موارد، قانون گذار کیفری ایران با جرم انگاری برخی از رفتارهای

^{۲۹}. در قانون قبلی این خسارت صرفاً برای ازاله بکارت مطرح بود.

خاص، رویکردی حمایتی، در خصوص برخی دیگر، رویکردی منفی و زمانی رویکرد تبعیض مثبت را اتخاذ نموده است، در موارد بسیاری نیز قانون گذار همانند اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منشور حقوق شهروندی و قوانین متعدد دیگر، به حمایت قانونی برابر از زن و مرد با رعایت موازین اسلامی تصریح کرده و اصل برابری و عدم تبعیض را رعایت کرده است.

- آقایی، مهدی. رسیدگی به جرایم منافی عفت: با نگرشی کاربردی، چاپ یکم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۷.
- جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا، صفری، صادق و جوادی هدایت اباد مسعود. «زمینه های تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان و سیاست کیفری ایران در قبال این جرم»، فصلنامه مطالعات بین المللی پلیس، ۱۳(۱۳۹۲): ۷۰-۳۷.
- دانش، تاج‌زمان. حقوق زندانیان و علم زندانها، چاپ یکم، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- داودی گرامرودی، هما و بشیریه، تهمورث. زن در آینه حقوق و اجتماع، همایش ملی رفع خشونت علیه زنان؛ چالش ها و راهکارها، چاپ یکم، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۲.
- ذاقلی، عباس. «سیاست جنایی ایران علیه قاچاق انسان در پرتو اسناد بین المللی»، رساله دکترا، تهران: دانشگاه شهید مطهری، ۱۳۸۸.
- ذاقلی، عباس و نجفی ابرنآبادی، علی حسین. قاچاق انسان در سیاست جنایی ایران و اسناد بین‌المللی، چاپ یکم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹.
- رنجبران، قاسم و دبیرزاده، الهه. خشونت بر زنان در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی، چاپ یکم، تهران: نشر فرهنگ شناسی، ۱۳۹۰.
- سبحانی، نگار. «بررسی جرم شناختی ده سالی خشونت علیه زنان در ایران از ۱۳۷۵ - ۱۳۸۵»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- عبدالحسنی، سلامه و طه، فریده. خشونت خانگی (بررسی حقوقی - جرم شناختی اسناد سازمان ملل، چاپ یکم، تهران: نشر ملل، ۱۳۹۶).
- عزتی لطف، بهزاد و طالبی. محشای مجموعه قوانین و مقررات حقوق خانواده، چاپ یکم، تهران: معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۹۸.
- عظیمی زاده اردبیلی، فایزه و ریاضت، زینب. «سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم علیه زوجه در خانواده»، فصلنامه فقه و حقوق خانواده، ۶۳(۱۳۹۴): ۶۷-۴۳.
- عظیمی زاده اردبیلی، فایزه و حسابی، ساره. «سیاست جنایی و تطور مفهومی آن»، فصلنامه تعالی حقوق، ۱۵(۱۳۹۰): ۱۳۳-۱۱۳.
- کرمانچی، جمشید، رفیعی فر، شهرام و افتخاری، مامک، گزارش جهانی خشونت و سلامت، چاپ یکم، تهران: نشر تندیس، ۱۳۸۶.
- کوشا، جعفر و دهقانی سانج، محمدرضا. «سیاست جنایی در جرائم اقتصادی»، فصلنامه دانش حقوق و مالیه، ۲(۱۳۹۶): ۱۰۱-۸۵.
- معاون حقوقی رئیس جمهور. مجموعه حقوق و مقررات شهروندی. چاپ یکم، تهران: معاون تهیه، اصلاح و نشر قوانین و مقررات، ۱۳۹۰.

میرمحمدی صادقی، حسین. جرایم علیه اشخاص، چاپ یکم، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵.

مندنی، اسلام، کونانی، سلمان و انصاری، جمال. سیاست جنایی: از گفتمان تا برساخت هایی ریزومیک شده و ناروا، چاپ دوم، تهران: نشر مجد، ۱۳۹۳.

نجفی ابرند آبادی، علی حسین، دایره‌المعارف علوم جنایی، علوم جنایی حقوقی، چاپ یکم، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۷.

نجفی ابرند آبادی، علی حسین. تازه های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، چاپ یکم، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲.

یعقوبی دوست، محمود. خشونت خانگی علیه کودکان (عوامل و راهکارهای مقابله با آن)، چاپ یکم، تهران: انتشارات تالیا، ۱۳۹۲.

Bonewitt, A., & De Santis, E. *The Issue of Violence against Women in the European Union*. Brussels: Directorate General for Internal Policies, European Parliament.

Delmas-Marty, M, "Ambiguities and lacunae: The international criminal court ten years on". *Journal of International Criminal Justice*, 11(2013): 553-561.